

مقدمه

ابتدا می‌کنم به این اقرار ضرور که بی‌شک مرحوم تقی بینش در مراغی‌شناسی نسبت به همهٔ موسیقی‌پژوهان ایرانی فضل تقدم و توجه و تسلط داشته است و امروز اگر کسی لغزشی از بینش را درمی‌یابد و اصلاح می‌کند، وامدار فهم و معرفتی است که از آثار مصحح آن استاد فقید کسب کرده است.

در کارنامهٔ مرحوم سید تقی بینش آثار متنوعی از حیث موضوع دیده می‌شود که اهم آن در حوزهٔ موسیقی است. در میان آثار موسیقایی ایشان که شامل تصحیح، تحقیق، تألیف و سخنرانی است، تصحیح متون کهن موسیقی بیشترین حجم و جلوه را دارد؛ و در میان آثار تصحیحی موسیقایی او سهم عمده از آن تألیفات عبدالقادر مراغی است.

بینش تقریباً تمامی آثار مراغی را تصحیح و منتشر کرده است: الف. مقاصدالالحان، ب. جامع‌الالحان، ج. شرح ادوار، د. خاتمهٔ جامع‌الالحان. از این میان خاتمهٔ جامع‌الالحان، چنان‌که از عنوان آن پیداست، فصل پایانی جامع‌الالحان است و کتاب مستقلی نیست؛ اما مرحوم بینش به دلایلی که خود در مقدمه توضیح داده، آن را در مجلدی علی‌حده منتشر کرده است. باری، من در این مقاله سعی کردم تا از این چهار اثر گزارشی مختصر ارائه کنم و ضمن گرامیداشت یاد آن عزیز به غث و سمین کار او نظری بیفکنم. اما اجازه می‌خواهم حرف آخر

را همین ابتدای سخن عرض کنم. به باور این کمترین، اگر فرضاً آثار مراغی به قلم مرحوم بینش تصحیح نمی‌شد و امروز قرار بود کسی ابتدا به ساکن آثار مراغی را بی‌یشتوانه دقت و همت آن زنده‌یاد تصحیح کند، وقوع فاجعه‌ای به مراتب بدتر از فاجعه هیروشیما قطعی و حتمی بود؛ چرا که تصحیح آثار مراغی تنها برای کسی مقدور است که چندین علم را بداند؛ موسیقی و ادبیات فارسی و عربی را در حد کمال، و ریاضی و تاریخ و لغت را به قدر آشنایی. (بر اینها البته وقوف بر فن کتابت و خط، و ظرایف کار تصحیح را نیز باید افزود).

مرحوم بینش با این علوم که برشمردم، آشنا بود و در هر یک از این اقالیم اگرچه سلطنت نداشت، شهروند محترم و مطلعی به‌شمار می‌رفت؛ به واسطه آنکه کار سلاطین این حوزه‌ها را تصحیح و احیا کرده بود. در لغت و تاریخ و شعر و موسیقی هم آثار گرانسنگی از آن عزیز پرهمت به یادگار مانده است که اکنون سالهاست منبع و مأخذ محققان فرهنگ سترگ ایرانی-اسلامی است. خداوند روح آن عالمِ فاضلِ خاشع را غریق رحمت واسعه خویش کناد!